

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیامک ستوده

۰۹ دسمبر ۲۰۱۷

آیا در جامعه سرمایه داری استثمار جنسی از میان رفته است؟

در حاشیه افتضاحات جنسی اخیر

در هفته های گذشته موج اعترافات زنان در امریکای شمالی علیه تجاوزات و تعرضات جنسی مقامات و شخصیت های قدرتمند و صاحب نفوذ امریکائی و کانادائی، از تهیه کنندگان شناخته شده هالیوود گرفته تا نمایندگان کنگره و سنا، کاندیداتورهای انتخاباتی، و برنامه گذاران مشهور رادیو -تلویزیونی و شخصیت های متعدد دیگر، طوفانی به پا نمود که هنوز هم در جریان است .

این اعترافات برای هزارمین بار نشان داد که:

- ۱- در تمامی مناسبات اجتماعی در جامعه سرمایه داری، حرف آخر را صاحبان قدرت و ثروت می زنند و هیچ قانون نوشته و نانوشته ای، من جمله قوانین مربوط به برابری حقوقی زن و مرد، تا زمانی که در جامعه تمایزات اقتصادی وجود دارد، نمی توانند در عمل و در دایره نفوذ این افراد اثرگذار بوده و اعمال گردند.
- ۲- موقعیت حقوقی زنان در جامعه، مانند هر گروه اجتماعی دیگری، ناشی از موقعیت آنان در تولید و سازمان اجتماعی کار بوده، آزادی و رهایی آنان به طور اجتناب ناپذیری به از میان رفتن کامل سرمایه و هیرارشی تولیدی ناشی از آن وابسته است. تا زمانی که مردان جایگاه مسلط در تولید را داشته، و در نتیجه، زنان را در استخدام خود داشته باشند، زنان چاره ای جز تن در دادن به استثمار جنسی مردان ندارند.
- ۳- در جامعه سرمایه داری، حتی در پیشرفته ترین نوع آن، استثمار جنسی زن از میان نمی رود، بلکه تنها شکل آن، به موازات تغییر در شکل تولید تغییر می یابد. به درجه ای که خانواده پدرسالار، به عنوان واحد پایه ی تولید در جامعه ماقبل سرمایه داری، جای خود را به کارخانه، به عنوان واحد پایه ی تولید در نظام سرمایه داری، می دهد، استثمار کاری و جنسی زن در کارخانه و مؤسسات سرمایه داری توسط کارفرما نیز جایگزین استثمار کاری و جنسی وی توسط شوهر در خانه می گردد. با شیفیت تولید از خانه به کارخانه، سلطه مرد بر زن نیز از صاحب خانه به صاحب کارخانه انتقال می یابد. زن که مجبور بود در خانه ناخواسته و بالاجبار خود را در اختیار مرد بگذارد، اکنون نیز ناچار است، باز هم ناخواسته و بالاجبار، خود را در اختیار مرد، ولی اینبار در کارخانه و محل کار قرار دهد. حربه طلاق یعنی بیرون انداختن زن از خانه و محل کار که در جامعه ماقبل سرمایه داری همچون وسیله مجازات نافرمانی من جمله جنسی زن توسط مرد به کار گرفته می شد، اکنون در جامعه سرمایه داری، باهمان بیرحمی، ولی شاید مؤدبانه و

محترمانه، به صورت بیرون انداختن کارمندی که تسلیم کامجوئی کارفرمای خود نشده است به کار می رود. در واقع نیز تنها خدمت کاری و جنسی به شوهر که صاحب زمین و وسایل تولید فئودالی بود جای خود را به خدمت کاری و جنسی کارمند زن به کارفرما، صاحب وسایل تولید سرمایه داری، داده است. گوئی شعار آزادی، برابری که زمانی شعار انقلابات بورژوائی در سراسر اروپا بود، اکنون به تنها وسیله ای برای لاپوشانی و در پرده نگاه داشتن انواع نابرابری ها در جامعه سرمایه داری تبدیل گشته است .